

بارانهای شدید در سیستان و بلوچستان

بیش از ۷ روز است که باران شدید، همراه با طوفان و سیلابهای مخرب، تلفات و خسارات سنگینی به مناطق ویسي از استانهای سیستان و بلوچستان وارد آورده است. تا کنون ۱۸ روستا را آب فرا گرفته و ۲۴ نفر کشته و صدها زخمی شده است. شهرهای مهم این منطقه از جمله زاهدان، زابل، ایرانشهر و خاش خسارات سنگینی دیده اند. هموطنان سیلزده ما به کمکهای جدی غذایی و دارویی نیازمندند و جان آنان در معرض خطر جدی قرار گرفته است.

همدردی با تروریستها

وکیل مدافع قربانیان حادثه ترور «میکونوس» در دادگاه از آقای اشمت باور، وزیر مشاور و هماهنگ کننده سازمانهای اطلاعاتی و امنیتی آلمان سوال می کند:

«آیا آقای فلاخیان برای ۴ نفر ایرانی که در خاک آلمان قربانی شده اند همدردی نشان داد؟» اشمت باور پاسخ می دهد: «نه. ما از طرف دولت آلمان در مجلس آلمان این عمل را محکوم کردیم.»

ولایتی در دیدار اخیر خود با خبرنگاران آلمانی چنین همدردی از خود نشان می دهد، متنه نه با قربانیان ترور، بلکه با تروریستها که در دادگاه برلن محاکمه می شوند. او می گوید:

«وقتی شهروندان ایرانی مقام خارج از کشور محاکمه می شوند، این وظیفه ماست که به آنها کمک کنیم، به هر حال ایران وطن آنهاست.»



شماره ۳۲۴، دوره هشتم
سال یازدهم، ۲۸ تیر ۱۳۷۳

لجن پراکنی، فحاشی و افترا شیوه های مطروح در مبارزه سیاسی

پاسخی به مصطفی هجری،
دبیر کل حزب دموکرات کردستان ایران

«کیهان» چاپ لندن در شماره ۵۱۲ خود مطلبی زیر عنوان "مصاحبه همکار ما عفت داداش پور با مصطفی هجری، رهبر حزب دموکرات کردستان ایران" منتشر ساخته است که در آن آقای هجری به شکلی بسیار زنده و بدون رعایت حداقل فرهنگ سیاسی متعدد سخنانی پیرامون حزب ترور ایران و تاریخ مبارزاتی آن گفته است که پاسخ به آن، به ویژه در این شرایط بسیار حساس، ضرور می نماید. مصطفی هجری در پاسخ به مصاحبه گز «کیهان» چاپ لندن می گوید: "اگر در باره حزب ترور از ابتدای بررسی کار آمدن حکومت دیکتاتوری اسلامی فضایت کنم باید بگویم که سرآغاز این حزب عبارت است از خیانت و جنایت نه علیه یک فرد، بلکه علیه یک جنبش و بعد از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی جنازه ای منثور که خود با دست های جنایتکارش گورش را کند و مدفون شد...". و پس در مردم جنیش چپ ایران نیز اضافه می کند: "... به جز چند تابی از این سازمان ها در بینش بقیه (نو) نمی بینم، زیرا این سازمان ها در مجموع هرجند می خواهند دموکرات ماب باشند و بعد از سال ها تبلیغ دیکتاتوری و فدایکاری برای ایجاد آن اکون برای جانماندن از قاله لاف دموکراسی می زند ولی در معنی دموکراسی آنها آنچنان بی پاد و دم اشکم است که باز برعای اصله یعنی که دیکتاتوری ...". اگر مظلوم مصطفی هجری از برخورد و بیش "نو" همان شیوه برخورد زشت و واپسگاریانه ای است که او در مورد حزب ما به کار گرفته است باید خوشحال بود که به جز چند سازمان دیگران هنوز به چنین درکی از "نو اندیشه" نرسیده اند. در این سخنان ناقص و ناروشن معلوم نیست که آقای هجری از کدام سازمان های چپ که سال ها برای "دیکتاتوری" تبلیغ کرده اند همچنان می گوید و آیا این "منطق" و آنگون دامن حزب دموکرات کردستان ایران را که نیزده ها موافق و حامی چنین برخورد هایی بوده است نیز می گیرد یا نه؟ و آیا آن "چند تا" سازمان "نو" اندیشه،

ادame در ص

سرگوب اقلیت های مذهبی، بخش جدایی ناپذیری از سیاست ترور و سرگوب رژیم "ولایت فقیه"

بر اساس گزارش خبرگزاری های جهان یک کشیش مسیحی بنام طاطاویس میکائیلیان، رئیس انجمن کشیشان پروتستان در هفته های اخیر به شکل مرمزی در تهران با شلیک دو گلوله از پشت به سرش، در روز شانزدهم تیرماه، به قتل رسیده است. همچنین بر اساس همین گزارش ها جسد روحانی دیگری بنام مهدی دیباچ که قبل از خاطر برگشت از اسلام وروی آوردن به مسیحت ابتدا به اعدام و سپس ده سال زندان محکوم شده بود نیز در بیان های اطراف تهران پیدا شده است. این سومین رهبر مسیحی کشور ماست (بس از قتل کشیش هوپیان مهر در سال گذشته) که بدست مزدوران جمهوری اسلامی به قتل می رسد.

ترور صدها تن از مخالفان و دیگراندیشان و از جمله رهبران اپوزیسیون در خارج از کشور، در کنار اعدام گروهی هزاران زندانی سیاسی، سرگوب خشن اهل تسنن در بلوچستان و اعدام صدها تن به جرم اعتقاد به مذهب بهاییت، آزادی و اذیت عقیدان به مذاهب زردهشی، آسوری و کلیمی در سال های اخیر نشانگر این واقعیت است که سیاست سرگوب خشن، شکنجه و ترور بخش جدایی ناپذیر از سیاست جمهوری اسلامی در برخورد با اقلیت های مذهبی است.

تلash جمهوری اسلامی برای نسبت دادن این اعمال جنایتکارانه به نیروهای مخالف، و نشان دادن چهره قربانیان شکنجه و یا افراد مجہول الهویه ای که کسی آنها را نمی شناسد به عنوان مسیحین این جنایات، مبتذل تر از آن است که حتی برخی از نیروهای پیرامونی حاکمیت آن را بیذیرند.

ادame در ص

در
یا کلاهبرداری در روز روشن؟ ص ۶

دیگر
بانک مرکزی اعتبار خود را به کلی
از دست داده است ص ۴

صفحات:
طرفداران بازسازی اتحاد شوروی
رو به افزایش است! ص ۸

جبهه میهن پرستان
رو آندا چه می خواهد؟ ص ۸

زنده باد آزادی، صلح و عدالت اجتماعی، طرد باد رژیم «ولایت فقیه»!

و آقای عزت الله سجایی می نویسد:

"... بنظر من در تاریخ معاصر ما تنها حزبی که به معنای ساختاری می توان به آن حزب اطلاق کرد حزب توده بود... در تاریخ این حزب دیده ایم که وقتی افراد حزب به خود اعتقاد داشته باشند می توانند در شرایط استبدادی نیز حیات خود را هرجند ضعیف و کمرنگ، ادامه دهند. تداوم حیات حزب توده در چند دهه یکی از دلایل نفوذ حزب توده در جامعه ماست. نفوذ حزب توده در جامعه ما هرگز کاملاً از بین نرفت، زیرا حیات این حزب همواره تداوم داشت... حزب سیاسی علاوه بر دوام در جامعه و مقاومت رهبران و اعضاء و کسب اعتماد مردم باید حرفی برای گفتن داشته باشد و چشم انداز ذهنی و فکری اعضا خود را دگرگون کند..." ("آدینه"، شماره ۸۴-۸۵).

توصیه ما به آقای هجری این است که به تاریخ معاصر میهن ما در ۵۰ سال اخیر، مراججه کند تا عیار گفته های ما و نظرات مخالفان کم و بیش با انصاف ما را در روند پغرنج و پرتضاد حوادث سیاسی و اجتماعی بیش از نیم قرن جامعه ما بهتر دریابد.

واما نکاتی چند پیرامون تاریخ و مبارزه حزب ما پس از انقلاب بهمن ۵۷. همانطوری که در بالا اشاره شد، از متن مصاحبه آقای هجری مشخص نمی شود که "خیانت" و "جنایت" حزب ما نسبت به یک خلق چه بوده است. اگر متوجه او سیاست "اتحاد و انتقاد" حزب ما در رابطه با جمهوری اسلامی است که ما بارها پیرامون این موضوع نوشته و توضیح داده ایم و انتظار این است که آقای هجری حداقل استاد حزب ما پیرامون این سال ها را مطالعه کند و پس به قضایت نشیند. ما در پاسخ به توهین های مشاهی از سوی مسعود رجوی نیز تاکید کردیم که حزب توده ایران مانند اکثریت قاطعه نیروهای ملی و مترقب کشور از انقلاب بهمن ۵۷ و اهداف اجتماعی - سیاسی آن دفاع کرد. نه تنها نیروهای سیاسی کشور، بلکه اکثریت میلیونی توده های شرکت کننده در انقلاب بر اساس قول هایی که خمینی و طرفداران او می دادند و مواضعی که این نیروها در روند انقلاب اتخاذ کردند، رهبری سیاسی آنان را در ابتدای انقلاب پذیرفتند. و سپس در روند تحریه دریافتند که این شعارها تنها فربی بود از سوی خمینی و طرفداران او بغضه کردند ولی فحاشی، لجن پراکنی، تهمت و افترای شهود های مطروحی هستند که از سوی هر کسی مورد استفاده فرار گیرند بی شک بیش از هر چیز نهایانگر بی منطقی و بی فرهنگی آن فرد و یا گروه محسوب می شوند. برای کسی که خود را در مقام مشغول است چه بروزه معقد نیست که سایر نیروها نمی باشند با هم بخورد سیاسی سالم و سازنده داشته باشند و سیاست های طرفین را به تقد کشیده و یا حتی به آن اعتراض کنند ولی فحاشی، لجن پراکنی، تهمت و افترای شهود های مطروحی هستند که از سوی هر کسی مورد استفاده فرار گیرند بی شک بیش از هر چیز نهایانگر بی منطقی و بی فرهنگی آن داند به کار گرفتن چنین کلمات زشتی علیه حزبی که به خاطر یک حزب مردمی می داند به این نوع از عدالت آشنا کند.

در مورد حقوق خلق گرد پیگرانه از این حقوق دفاع کردیم. آن هنگام که خمینی دستور حمله نظامی به کردستان را صادر کرد، ما اعلام نمودیم: "ما با کمال تأسف، شاهد آن هستیم که در هفته های اخیر چرختی در اوضاع سیاسی درون کشور بدیدار شد... به نظر ما مسئله کردستان ایران، مسئله دیروز و امروز نیست. مسئله کردستان ایران یک مسئله پغرنج تاریخی، چنگایی و ملی است. حزب توده ایران اولین حزب سیاسی ایران است که پس از سرنگونی دیکتاتوری سیاه رضا خان، پایان دادن به محرومیت های ملی خلق های غیر فارس را در ایران، به عنوان یکی از گره های مهم سیاست داخلی ایران، مطرح ساخت و یگانه راه عقلایی گشودن این گره را که واگذاری خودمنخاری فرهنگی و اداری در چارچوب رعایت کامل و بدون خدشه تمایت ارضی، وحدت ملی و مرکزیت قدرت دولتی است، نشان داد... اکنون ها سال است که مردم کردستان برای پایان دادن به محرومیت های ملی و اجتماعی مبارزه می کنند و در این راه تلفات و قربانی های فراوان و سنگینی داده اند. تحریه همین مبارزات و مبارزات ملی در سایر کشورها به خوبی نشان می دهد که از بین رفتن محرومیت های ملی خلق های مردم در کشوری نظری ایران تها در ادامه در ص ۷

لجن پراکنی، فحاشی و افترای شیوه های مطرود در مبارزه ...

"اندیشه پردازانی" نویز از گروهک امیر خسروی هستند که در شماره های اخیر "راه آزادی" آب پاکی را روی دست آقای هجری ریختند و حزب دموکرات کردستان ایران را به "تجزیه طلبی" متهم کردند؟ (نگاه کنید به مقاله کردستان شماره ۲۰۵ با عنوان "سخنی چند با راه آزادی")

حزب توده ایران بارها اعلام کرده است که سیاست های خود را بر اساس "مدروز" و فشار تبلیغاتی این یا آن نیرو تعیین نمی کند. ما معتقد جامه ای است که اصول اعتمادی یک سازمان و یا یک حزب جدی سیاسی مانند جامه ای است که باستی هزار گاهی، نو آن را از بازار خرد. باید از آقای هجری پرسید که کدام پیش اجتماعی است که خواهان حقوق خلق ها است و این حقوق را تام و تمام به رسمیت می شناسد. کدام بیرونها در سطح جهانی و یا در سطح محلی هستند که پیگیر در راه این حقوق مبارزه کرده اند و در راه تحقیق آن قربانیان فراوانی داده اند. برای ما مشخص نیست که منظور آقای هجری از "سوسیالیسم دموکراتیک" که گویا در آن عدالت اجتماعی بر "توزيع عادلانه کار و سرمایه استوار است" چیست و چنین سیستم بکرو و "نوی" در کجا دنیا حاکم است و اصول چنین احکامی برایه چه نظریات جامعه شناسی و اقتصادی استوار است. ما صمیمانه گر "کیهان" لندن قول داده است "فرضی" پیدا کند و جنبش چپ ایران و از جمله حزب ما را با این "نوع از عدالت" آشنا کند.

واما از سخنان ناروایی که آقای هجری پیرامون تاریخ حزب توده ایران گفته است چه برداشتی می توان داشت. آیا این است شیوه ایی که آقای هجری در همان مصاحبه مدعی می شود: "اکنون زمان داشتن روابط سیاسی سالم" است. حزب ما به هیچوجه معقد نیست که سایر نیروها نمی باشند با هم بخورد سیاسی سالم و سازنده داشته باشند و سیاست های طرفین را به تقد کشیده و یا حتی به آن اعتراض کنند ولی فحاشی، لجن پراکنی، تهمت و افترای شهود های مطروحی هستند که از سوی هر کسی مورد استفاده فرار گیرند بی شک بیش از هر چیز نهایانگر بی منطقی و بی فرهنگی آن فرد و یا گروه محسوب می شوند. برای کسی که خود را در مقام مشغول است چه بروزه معقد نیست که سایر نیروها نمی باشند با هم بخورد سیاسی سالم و سازنده داشته باشند و سیاست های طرفین را به تقد کشیده و یا حتی به آن اعتراض کنند ولی فحاشی، لجن پراکنی، تهمت و افترای شهود های مطروحی هستند که از سوی هر کسی مورد استفاده فرار گیرند بی شک بیش از هر چیز نهایانگر بی منطقی و بی فرهنگی آن داند به این نوع از عدالت آشنا کند. بهترین فرزندانش را و از جمله گروهی از سرشناس ترین مبارزان گرد مانند مبارزان بزرگ رفیق حسن قزلیچی ... را قربانی داده است، چیزی جزی مسویتی نمی تواند باشد. آیا حقیقت جز این است که بخش بزرگی از مبارزان چپ و بسیاری از رهبران جنبش ملی کشورمان و از جمله رهبران حلق گرد، کسانی مانند شیده قاسملو در دامن حزب توده ایران و اندیشه های حزب ما بپرورد شده اند؟ حتی مخالفان سیاسی حزب ما که در چارچوب اصولی به تاریخ آن برخورده می کنند به شدت چنین شیوه برخوردی را نادرست می دانند. نقل دوازیابی از دو شخصیت سیاسی میهن ما، که به هیچوجه به آنان نسبت طرفداری از حزب توده ایران را نمی توان داد، میزان صلاقحت و صحت نظرهای آقای هجری را به محک می کشد.

مهندس مهدی بازگان با همه مخالفت پیگیرش با حزب توده ایران، چنین می گوید: "... مبارزات سیاسی در دوران جدید و تاسیس حزب و گروه های انقلابی را تode ای ها به جوانان ایرانی یاد دادند. حالا اگرچه ما با آنها مخالفی ویلی حق را باید گفت که در آن زمان نه ملی ها و نه آخوندها، هچیک در این مسابل وارد نبودند و عملکردنیست ها بودند که اندیشه مبارزه سیاسی را به ایران آوردند و راه و رسم آن را به همه تعلیم دادند ...". ("ایران فردا" - شماره ۴، دی ۱۳۷۱).

از سران رژیمی که تاکنون دستور قتل هزاران انسان بیگناه، آزادیخواه و بشر دوست را در کشور ما صادر کرده اند، نیز نمی توان جز این انتظار داشت. سران حکومت برای حفظ رژیم ضدمردمی خود راه تکیه بر سرنیزه و سازمان دادن انواع توطئه ها برای خنثی سازی نیروهای مخالف خود را در پیش گرفته اند. تنها راه مقابله با چنین حکومت هایی تشدید مبارزه و درگیر کردن اکثریت عظیم توده های مردم است که توان در هم شکستن استبداد را دارند.

جمله "منشور آزادی" با صراحت اعلام کرده است که خواهان آزادی بدون قید و شرط کلیه مذاهب است و از این اصل دفاع می کند. ترور کشیش میخائیلیان، مهدی دیباچ و ترور یکی از کادرهای حزب دموکرات کردستان ایران (رهبری انقلابی) بار دیگر حیاتی بودن و فوری بودن عمل مشترک همه نیروهای مترقبی برای مقابله با سیاست های تروریستی رژیم را مورد تاکید قرار می دهد. تخلل در این امر تنها به فاجعه بیشتر و ادامه حکومت ترور و اختناق در میهن ما منجر می گردد که تلفات و ضایعات غیر قابل جراینی به میهن ما وارد می سازد.

سرگوب اقلیت های ...

حزب توده ایران این جنایت دهشتتاک مزدوران جمهوری اسلامی را به شدت محکوم می کند و همدردی عمیق خود را با خانواده و نزدیکان کشیش میخائیلیان اعلام می دارد. دفاع از حقوق اقلیت های مذهبی بخش جدایی نایابری از مبارزه برای استقرار دموکراسی و آزادی در میهن استبداد رده ماست. حزب ما معتقد است که مذهب را باید از حکومت جدا کرد. و اعتقادات مذهبی مردم امری است که به خود آنان مربوط است. حزب ما در اسناد اخیر خود، از

در ایران چه می‌گذرد؟

آنچه که در زیرآمده است گزارشی است که از ایران برای ما ارسال شده است.

مقدار زیادی به کارگران و کارمندان خود بدھکار هستند و این تنها در مورد کارگاه‌های تولیدی کوچک نیست. مثلاً کارخانه فیلتر البرز (در قزوین) که بزرگترین کارخانه تولید کننده فیلتر در ایران است با ۸۰۰ - ۷۰۰ نفر کارگر ماه‌ها حقوق کارگران را به آنها بدھکار است و به دولت اعلام کرده است که در صورتیکه دولت برای پرداخت حقوق و گذران امور به کارخانه وام ندهد چاره‌ای جز بستن کارخانه موجود نیست. در ماه‌های گذشته خطر و یا بسته شدن مراکز بزرگی مانند شرکت بوتان گاز و کارخانه نساجی کاشان موضوع بحث روز بوده است. وزارت کار از آنجاییکه به شدت تگران یا لگرفتن اعراض های کارگری است معمولاً در این موارد به هیچوجه اجازه بسته شدن کارخانه را نمی‌دهد. درست قبل از عید تعداد زیادی از صاحبان صنایع بطور خصوصی با رفستجانی پیرامون و خامت اوضاع و خطر ورشکستگی بسیاری از صنایع کشور دیدار و گفتگو کردند و از او خواستند تا مانند زمان دولت موسوی برای صنایع تولیدی کشور ارز به نیخ ارزانت تامین گردد و جلوی ورود کالاهای مصرفی گرفته شود. علی رغم قول های داده شده همه متفق القول هستند که از دست دولت رفته‌سازی کاری ساخته نیست. هر روز بخشانه جدیدی پیرامون مسائل ارزی و کمرگات کشور صادر می‌شود. خلاصه سودگرمی عجیبی در همه ادارات به جسم می‌خورد.

حافظت از محیط زیست در اینجا معنای خاصی دارد، که تنها با پول حل می‌شود. مثلاً یکی می‌گفت برای ساختمان خانه مان که مجبور بودیم حیاط را کوچک تر کنیم یا بدینه درخت را می‌بردیم. شهرداری بنا به گفته خودشان برای اندختن هر درخت ۹۰ هزار تومان جریمه می‌گیرد ۲۷۰ هزار تومان در ماه از مگرفتند و اجازه دادند تا درخت ها را قطع کنیم، به این ترتیب هر نوع مشکل شرعی و عرفی بر طرف گردید. دیگری تعریف می‌کرد که می‌خواستند خانه قدمی خود را نوسازی کنند. لازم بود درخت سروی را که در حیاط منزل بود قطع کنند. از شهرداری می‌خواهند تا بینند و درخت را با جرقیل به یکی از میادین شهر ببرند. خلاصه می‌آیند و می‌گویند این درخت با ارزش است نباید شما آن را جابجا کنید در غیر این صورت ۴ میلیون تومان جریمه می‌شوید. با پارتی بازی یک میلیون و دویست هزار تومان می‌گیرند و درخت را می‌برند و اجازه ساختمان می‌دهند. این هم نمونه دیگر رفع مشکل شرعی و عرفی قطع درخت و حفظ محیط زیست در جمهوری اسلامی ایران.

مردی زن را کشته و مادر زن او شکایت کرده و قاتل در زندان است و حکم اعدام او صادر شده است. از پیرزن بیجاهه یک میلیون تومان پول دیه می‌خواهند تا قاتل را اعدام کنند. اینجا دلت می‌خواهد فریاد بکشی. حالا زن بدخت دارد پول جمع می‌کند تا انتقام دخترش را بگیرد و خودش را تا آخر عمر مفروض کند. یاد پول گلوه هایی که می‌گرفتند می‌افتد! هرینه پست و تلفن دونبرابر شده است. رسماً اعلام کرده اند از اول سال ۷۳ بليط هواپيمای داخلی ۲/۵ برابر شده است. آب و برق هم که حساب و کتابی ندارد. مهمتر از همه قیمت نان و گوشت و روغن و پرنی و سایر مایحتاج عمومی و حشتناک بالارفته است. ظاهرا نان گران نشده ولی بقدیم آرد در نانوایی ها کم توزیع می‌شود که مردم مجبورند نان فانتزی آزاد بخرند که ۱۰ برابر قیمت نان دولتی است. خلاصه نمی‌دانی چقدر وضع خراب است من نمی‌دانم مردم چطور زندگی می‌کنند.

امروز نمایشگاه بین المللی کتاب رفت (همتین نمایشگاه) کتاب‌ها بقدیم گران است که اغلب دست خالی می‌چرخد فقط کتاب‌های کمک درسی مدارس و دانشگاه خوب فروش می‌رود. چون ضروری است. در یک غرفه مشغول تماسای کتاب‌ها بودم پسر ۱۲ ساله‌ای را شاگرد کتابفروش می‌گیرد و با مشت و لگد می‌زند. یکی از کتاب‌های «ژول ورن» پسرک را سخت جلب کرده بود و او چون قادر به خرد کتاب مورد علاقه اش نبود آن را کش رفته بود. به این ترتیب فقط حرست است که برای این قبیل انسان‌ها می‌ماند و بس. »

اند. و به همین دلیل گزارش شرکت «فعالان حزب توده ایران» در چنین نشستی در اساس نادرست و خلاف واقع است.

-۳ این مدعای نشست ۲۶ ژوئن ۱۹۹۴ با هدف «دفاع از زندانیان سیاسی» تشکیل شده است از پایه نادرست و خلاف واقعیت است. حتی تا این تاریخ که نشست دومی هم برگزار شده است، شرکت کنندگان در جلسه هنوز توانسته اند برسی سوژه‌ای که باید محور کار مشترک قرار کرده توافق کنند.

-۴ علت عدم شرکت داوطلبانه اعضاء و «فعالان» ادامه در ص ۴

»... افسرده‌گی در چهره اکتریت مردم موج می‌زند. اوضاع اقتصادی، همچنان سیر قهقهه‌ای خود را طی می‌کند. هر روز به تعداد ورشکستگان مراکز تولیدی و کارخانه‌ها افزوده می‌شود. بیکاری روز به روز تشدید می‌شود و دولت پول کافی حتی برای پرداخت حقوق برخی از کارمندان مراکز دولتی ندارد. برخی از مسئولان اعلام کرده که بسیاری از کارگران دولتی املاک باز خرید خواهند شد، ولی با توجه به بی‌بولی دولت و با توجه به اینکه دورنمای پیدا کردن کار موجود نیست، اجرای طرح کاهش تعداد کارمندان بخش دولتی تاکنون امکان پذیر نشده است. هزینه‌های زندگی سراسر آور بالا می‌رود. در حالیکه حقوق یک کارمند تحصیل کرده حدود ۳۰ هزار تومان است، اجاره ماهیانه محل زندگی برای خرید است که دربی یافتن جنسی که مناسب با چیزی باشد، ساعت‌ها وقت صرف می‌کند و اکثر آست خالی به خانه بر می‌گردد...

بعران‌های اجتماعی - سیاسی کم کم شروع به تظاهر می‌کند. از یک طرف گرانی افسار گیخته، از طرفی بی‌بولی دولت و از سوی دیگر ظلم و تعددی دستگاه های اداری کاسه صیر مردم را لبریز کرده است. حرکت‌هایی که از ماه‌های آخر سال شروع شد و تا به امروز در اشکال مختلف ادامه دارد گویای این مطلب است. به گمان من موضوعی که باعث جوشش و فروکش بعدی و خودگی روحی می‌شود، به دو عامل مهم بستگی دارد: اولاً، آلتراتیو مشخصی وجود ندارد و آنچه که هست در شکل جینی است؛ و ثانیاً این باور نیز وجود دارد که خرابی و غارت بازنشده سال گذشته، امکان‌های واقعی و مخازن ثروت کشور را چنان تهی کرده است که حتی در صورت موقوفت آلتراتیو، ما بازهم با یک کشور قبیر و بدھکار روپرتوخواهیم بود.

رژیم نیز به خوبی از رشد نارضایتی مردم آگاه است و تلاش می‌کند با انواع و اقسام برنامه‌ها جلوی هرگونه حادثه احتمالی را بگیرد. چند نمونه جالب را اینجا ذکر می‌کنم:

برای بازدید هاشمی از شمال تدارک زیادی دیده بودند. طبق معمول از کسی و خلق الله مبالغی جهت پذیرایی اخاذی شد و مینی بوس ها و اتحادیه تاکسیرانی مجبور به آوردن روتاستایان برای ابزار احساسات مجانی بود. قبل از ورود هاشمی به بندر ترکمن، عده قابل توجهی از وابستگان گروه های سیاسی و یا آنها که در اجتماعات ساخته بودند، به مدت دور روز، برای پیشگیری از حواشی احتمالی بازداشت شدند. در همین شهر، سپاه مدتی را به آموش و مانور برای حفاظت از بازدید کنندگان صرف کرد ولی در روز ورود هاشمی بطور ناگهانی از افراد سپاه بهشهر برای حفاظت استفاده کرده که کلی باعث ناراحتی سپاه بندر شد.

محیط‌های کارگری در ماه‌های گذشته، پر از درگیری های کارگران با مدیریت کارخانه‌ها بوده است. اگر دقیق بخواهید، درست قبل از ۲۲ بهمن برخوردهای سرمهاجب و عیدی همه ساله آغاز شد و در بسیاری موارد به درگیری با عوامل سپاه و کمیته انجمادی. از این نمونه ها می‌توان از کارخانه قرقه زیبا واقع در جاده کرج و نیروی محرك (قزوین) که به تیراندازی هوابی و استفاده از ماشین های آب پاش انجمادی، نام برد. اکثر کارخانه ها یا نمی‌توانند حقوق کارگران خود را بدھند و یا

اطلاعیه کمیته کشوری سازمان حزب توده ایران در آمریکا

نامبرده در نشست ۲۴ ژوئن شرکت نکرده و سازماندهندگان این نشست نیز در دعوت های لفظی یا تلفنی خود از افراد مختلف، هیچ هویت سازمانی یا کروهی برای خود مطرح نکرده بودند.

۲- هیچکی از اعضاء و «فعالان» حزب توده ایران در آمریکا (و به ویژه در نیویورک) نه از سوی سازماندهندگان این نشست به جلسه ۲۶ ژوئن ۱۹۹۴ دعوت شده بودند و نه در آن شرکت داشته

اخیراً از طریق خبر مندرج در یکی از نشریات اطلاع یافتم که در روز جمعه ۲۴ ژوئن ۱۹۹۴ نشستی با شرکت «همتیزان و فعالان» برخی از سازمان‌های چپ، از جمله «فعالان سابق و حال حزب توده ایران» برای «دفاع از زندانیان سیاسی» در شهر نیویورک برگزار شده است. کمیته کشوری سازمان حزب توده ایران در آمریکا وظیه خود می‌داند در این رابطه برخی توضیحات لازم را در اختیار رفقاء حزبی و دیگر نیروهای ذیعنوان قرار دهد:

۱- تا آنچه که سازمان ما مطلع است، هیچکی از شرکت کنندگان در نشست مزبور (به استثنای یک نفر) به عنوان نماینده یا «فعال» جریانات سیاسی

آشکار حاضر شد تا با امارات متحده عربی علاوه بر مسئله مالکیت جزیره ابوالموسى، راجع به مالکیت دو جزیره نیز بطور مستقیم و بدون قید و شرط قبلی به مذکور پیرداد است.

اشمیت باوئر در تهران

بدنبال غلو هلموت شیمیکوس، «جاسوس آلمانی»، که مستقیماً توسط علی خامنه‌ای صورت گرفت، اشمیت باوئر، مشاور صدر اعظم آلمان و هماهنگ کننده سازمانهای اطلاعاتی و امنیتی آن کشور، روز شنبه ۱۱ تیر ماه وارد تهران شد و در دیدار با هاشمی رفسنجانی، پیام کتبی هلموت کهل را تسلیم وی کرد.

اشمیت باوئر در این دیدار اظهار داشت: «صدر اعظم آلمان پیشنهاد کرده است برای کمک به توسعه همکاریهای دوجانبه طی ماههای آینده کمیسیون مشترک اقتصادی دو کشور تشکیل شود». وی همچنین در دیدار با حسن روحانی، دبیر شورای امنیت ملی و معاون مجلس شورای اسلامی ایران، با اشاره به اینکه روابط دو کشور «از حالت عادی» فراتر رفته است، بر شروع «همکاریهای وسیعتر» بین دو کشور «در تمامی زمینه‌ها» تاکید کرد. اشمیت باوئر در طول اقامت خود در تهران با وزرای اطلاعات و امور خارجه و رئیس مجلس شورای اسلامی نیز دیدار و گفتگو نمود.

گفتی است که بنا به گزارش روزنامه آلمانی «فرانکفورتر آگاماین»، هماهنگ کننده سازمانهای امنیتی و اطلاعاتی آلمان اولین کسی بود که تاریخ بازگشت شیمیکوس به آن کشور را اعلام داشت. در همین گزارش آمده است که علی اکبر ولایتی این شایعات را که در ارتباط با بخشودگی هلموت شیمیکوس، امیازات مخصوصی به ایرانیان متهی به دست داشتن در قتل رهبران کرد در برلن داده شده است، رد کرد و گفت:

« فقط خواستار محکمه ای عادلانه هستیم!؟!

حزب توده ایران در این نشست نیز (علی رغم دعوت نشدن

به آن)، نه مخالفت آنان با برگزاری جلساتی به منظور «دفع

از زندانیان سیاسی»، بلکه دقیقاً ناروشن بودن انکیزه و مداف

سازماندهندگان (نه شرکت کنندگان) این نشست از یک سو، و نامعلوم بودن چارچوب‌های سیاسی و معیارهای

دعوت یا عدم دعوت از افراد و نیروهای کوناکون به آن بوده است.

۵- شیوه انتشار خبر برگزاری نشست ۲۴ ژوئن نیز از نظر ما بسیار سوال برگزینیز است. در حالیکه در

این گزارش از شرکت «همنظران و فعالان» دیگر نیروها یاد می‌شود، در مورد حزب توده ایران عبارت

«فعالان سابق و حال» مورد استفاده قرار می‌کشد. کسانی که عمداً از دعوت «فعالان حال» حزب توده ایران

به جلسه خودداری کرده‌اند، از تکیه بر شرکت «فعالان سابق» حزب در حالی صورت می‌گیرد که رژیم

متشرکنندگان این گزارش باید به خوبی بدانند (و ما تردیدی نداریم که این گزارش را تهیه

کرده و با آنان ارتباط پسیار نزدیک دارد به خوبی می‌دانند) که اکثریت کسانی که در نشست ۲۴ ژوئن

شرکت داشته‌اند از نه از «فعالان سابق» حزب توده ایران، بلکه از «فعالان سابق» جریانات دیگر بوده‌اند.

پس چکونه است که در مورد آنها این بیارت به کار گرفته نشده است؟ آیا مجموعه این عملکرد حاکی از این

نیست که گزارشگران و متشرکنندگان این خبر، که خود از سازماندهندگان نشست ۲۴ ژوئن بوده‌اند، می-

خواسته‌اند با این کار یک هویت سیاسی مستقل از تشکیلات حزب توده ایران برای این «فعالان سابق حزب»

ایجاد کنند و آنها را در ذهن خوانندگان خود به یک جریان سیاسی در برابر حزب بدل نمایند؟

کمیته کشوری سازمان حزب توده ایران در آمریکا این عملکرد غیرمسئولانه گزارشگران و متشرکنندگان

این خبر سراپا نادرست را، که هدفی جز تحریف حقایق به منظور پیشبرد مقاصد کاسپیکارانه کروهی و شخصی

نذارد به شدت محکوم می‌کند. به نظر ما اینکه بروخودها، در هر جمع و برای هر هدفی که انجام کرده، کاری

غیرمستولانه، اعتماد شکنانه، تفرقه افکنانه و مخرب است که نه تنها به نزدیکی نیروها سدمه می‌زند، بلکه

راه را برای سوه استفاده دشمنان مردم باز می‌کند.

کمیته کشوری سازمان حزب توده ایران در آمریکا

بانک مرکزی اعتبار خود را به کلی از دست داده است

محمد هادی نژاد حسینیان، وزیر صنایع سنگین جمهوری اسلامی طی سخنرانی در جلسه «کمیته پشتیبانی امور اجرایی سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران» در رابطه با مسائل پولی و ارزی و سیاست‌های بانک مرکزی گفت: «قیمت ارز در حال حاضر واقعی نیست و تمامی ضوابط، محدودیت‌ها و دستورالعمل‌های موجود سعی در عدم افزایش نرخ ارز بیش از میزان فعلی آن در بازار دارد، لیکن سیاست انتخاب شده و روش‌های اعمال آن همانند گذشته باز هم باعث بالا رفتن قیمت ارز خواهد شد».

وی در ادامه با اعتراف به اینکه «فشارهای سیاسی و اجتماعی» عامل اصلی اتخاذ «سیاست‌های ارزی» دولت می‌باشد، اظهار داشت: «ضعف کارشناسی، نبود اطلاعات و آمار دقیق، قدرت ارزیابی ضعیف و در نتیجه عدم امکان سیاست‌گذاری دراز مدت منجر به اتخاذ تصمیمات کوتاه مدت ارزی و اقتصادی می‌شود که خود باعث بروز مشکلات فراوان است».

نژاد حسینیان در پیان، عملکرد بانک مرکزی را به عنوان مجری سیاست‌های پولی و ارزی کشور به شدت مورد انتقاد قرار داد و گفت: «... بانک مرکزی به سیاست‌هایی که خودش پیشنهاد کننده آن است نیز عمل نمی‌کند. لذا بزرگترین مشکل فعلی بی‌اعتمادی به سیستم بانکی است که باید این ترین و صدیق ترین دستگاه اجرایی کشور باشد».

همچنین، روزنامه «رسالت» طی مقاله‌ای تحت عنوان «تورم زدایی»، سیاست ارجح، با انتقاد شدید از سیاست‌های پولی و ارزی بانک مرکزی، و بیان سلب اعتماد مردم از این بانک، آن را مسؤول عدمه افزایش تورم و کاهش ارزش ریال معرفی کرده و از جمله از مسئولین بانک مرکزی سوال نمود: «... چرا در یکی دو سال گذشته اکثر نایاندگی‌های خارجی مقیم ایران حسابهای ارزی خود را از بانک های کشور خارج کرده‌اند و آنها را به کشورهای همسایه انتقال داده‌اند. آیا چنین حرکت گویای کیفیت نامطلوب در تامین امنیت سپرده‌های ارزی نیست؟»



در استان گیلان گرفته شد، فقط دو مورد مبتلا به

مالاریا نبودند».

«حل» مسئله سه جزیره خلیج فارس

به دادگاه لاهه و اگذار می‌شود؟

بنا به گزارش خبرگزاری امارات متحده عربی، شیخ حمدان بن زاید آل نهان، وزیر مشاور در امور خارجه امارات متحده عربی طی مصاحبه ای با نشریه عرب زبان «الوسط»، چاپ لندن، گفت: «اگر ایرانی‌ها مدارک تاریخی در اختیار دارند که مالکیت آنها را بر جایرت تدب وابوموسی ثابت می‌کند، بهتر است این مدارک را برای اثبات ادعای خود به دادگاه بین‌المللی لاهه ارایه دهند». وی در ادامه افزود: «ما آماده هستیم هر حکمی دادگاه لاهه در این مورد صادر می‌کند، رعایت کنیم. چه این حکم به نفع ما باشد، چه به ضرر ما ... اگر جمهوری اسلامی از مطرخ ساختن دعوی و پذیرش داوری دیوان لاهه امتناع کند، ثابت می‌شود که به این جزایر حاکمیت ندارد».

این اظهارات در حالی صورت می‌گیرد که رژیم جمهوری اسلامی چندی قبل در یک عقب نشینی

اطلاعیه کمیته...

سازماندهندگان (نه شرکت کنندگان) این نشست از یک سو، و نامعلوم بودن چارچوب‌های سیاسی و معیارهای

دعوت یا عدم دعوت از افراد و نیروهای کوناکون به آن بوده است.

۵- شیوه انتشار خبر برگزاری نشست ۲۴ ژوئن نیز از نظر ما بسیار سوال برگزینیز است. در حالیکه در

این گزارش از شرکت «همنظران و فعالان» دیگر نیروها یاد می‌شود، در مورد حزب توده ایران عبارت

«فعالان سابق و حال» مورد استفاده قرار می‌کشد. کسانی که عمداً از دعوت «فعالان حال» حزب توده ایران

به جلسه خودداری کرده‌اند، از تکیه بر شرکت «فعالان سابق» حزب در حالی صورت می‌گیرد که رژیم

متشرکنندگان این گزارش باید به خوبی بدانند (و ما تردیدی نداریم که این گزارش را تهیه

کرده و با آنان ارتباط پسیار نزدیک دارد به خوبی می‌دانند) که اکثریت کسانی که در نشست ۲۴ ژوئن

شرکت داشته‌اند از نه از «فعالان سابق» حزب توده ایران، بلکه از «فعالان سابق» جریانات دیگر بوده‌اند.

پس چکونه است که در مورد آنها این بیارت به کار گرفته نشده است؟ آیا مجموعه این عملکرد حاکی از این

نیست که گزارشگران و متشرکنندگان این خبر، که خود از سازماندهندگان نشست ۲۴ ژوئن بوده‌اند، می-

خواسته‌اند با این کار یک هویت سیاسی مستقل از تشکیلات حزب توده ایران برای این «فعالان سابق حزب»

ایجاد کنند و آنها را در ذهن خوانندگان خود به یک جریان سیاسی در برابر حزب بدل نمایند؟

کمیته کشوری سازمان حزب توده ایران در آمریکا این عملکرد غیرمسئولانه گزارشگران و متشرکنندگان

این خبر سراپا نادرست را، که هدفی جز تحریف حقایق به منظور پیشبرد مقاصد کاسپیکارانه کروهی و شخصی

نذارد به شدت محکوم می‌کند. به نظر ما اینکه بروخودها، در هر جمع و برای هر هدفی که انجام کرده، کاری

غیرمستولانه، اعتماد شکنانه، تفرقه افکنانه و مخرب است که نه تنها به نزدیکی نیروها سدمه می‌زند، بلکه

راه را برای سوه استفاده دشمنان مردم باز می‌کند.

کمیته کشوری سازمان حزب توده ایران در آمریکا

مالاریا یک پنجم جمعیت کشور را

تهدید می‌گند

بنا به گزارش روزنامه «سلام» و از قول یکی از کارشناسان بیماریهای واگیر، «در حال حاضر حدود ۱۲ میلیون نفر از جمعیت کشور»، به ویژه ساکنان مناطق جنوبی رشته کوههای زاگرس و دشت های ساحلی خلیج فارس و دریای عمان، در معرض ابتلاء به بیماری مalaria» قرار دارند. این گزارش از افزایید: «از جمعیت ۳/۷ میلیون نفری منطقه جنوب شرق کشور، ۱/۸ میلیون نفر»، بیش از ۵۴٪ دارای آلدگی شدید با پتانسیل انتقال بسیار بالا می‌باشد».

روزنامه «سلام» در پیان گزارش خود، در توضیح وضعیت ابتلاء به بیماری مalaria در سایر استانهای کشور، به عنوان نمونه آماری از استان گیلان ارایه می‌دهد و می‌نویسد: «در سال گذشته از ۶ هزار لام خونی که برای آزمایش از افراد مشکوک

اروپای غربی

در جریان اجلال سران کشورهای بازار مشترک اروپا در جزیره «کورفو» در یونان، وزرای کشورهای اتحادیه اروپا در مورد یک سیاست همگون و برخورد یکسان در جلوگیری از ورود نیروی کار خارجی به قلمرو خود به توافق رسیدند. این سیاست که قرار است قبل از سال ۱۹۹۶ میلادی صد درصد به مردم اجرا گذاشته شود، اولین قدم قانونی و اجرایی در جهت استاندارد کردن قوانین جلوگیری از ورود خارجیان به خاک اروپا می باشد. طبق این قانون تمامی پناهجویان و یا کسانی که مظنون به مهاجرت غیر قانونی هستند در مزد ورود به یک کشور اروپایی انگشت نگاری خواهند شد. نسخه ای از اثر انگشت ها به همه کشورهای عضو اتحادیه اروپا ارسال خواهد شد. به این ترتیب، در صورت عدم موافقت با پناهندگی سیاسی یک پناهجو در یک کشور، آن پناهجو عملاشان و امکان درخواست پناهندگی در همه ۱۲ کشور عضو اتحادیه اروپا را از دست خواهد داد.

کانادا

پس از ۱۶ سال، کانادا به تحریم «کمک به خاطر توسعه به کوبا» پایان داد و قوانین مربوط به این تحریم رالغو نمود. گرچه کانادا هیچگاه رسمی به تحریم اقتصادی کوبا، که از سوی ایالات متحده آمریکا سازمان داده شده بیوپست ولی در دهه ۷۰ میلادی، پس از آن که دولت کوبا تصمیم به کمک برادرانه به دولت قانونی آنگلا در مقاومت علیه ترور سازمان داده شده از سوی ارجاعیون و ضد اقلاییون «اوینیتا» گرفت، این کشور روابط خود را با کوبا به حداقل رساند. تغییر سیاست جدید به این معنی خواهد بود که شرکت های کانادایی قادر خواهد بود در پروژه های توسعه ای در کوبا سرمایه گذاری کنند.

ایتالیا

دولت ایتالی فست راستی حاکم بر ایتالیا به اتحادیه های کارگری ایتالیا گفته است که آن ها باید «اصلاحاتی» را در بازار کار پیذیرند که هدف آن زیر پاگذاردن حقوق پایه ای کارگران و ساده کردن اخراج کارگران می باشد، دولت مصمم است که طرح های قانونی این «اصلاحات را، حتی علی رغم مخالفت اتحادیه های کارگری، در پارلمان مطرح کند. میلیون ایتالیایی، سیلیویو بولوسکونی، نخست وزیر ایتالیا در ماه اردیبهشت قول داد که سطح بیکاری را که در حال حاضر ۱۱/۵٪ است کاهش دهد و طی دو سال آینده یک میلیون شغل ایجاد کند.

دولت در صدد است که روند به کارگری کارگران نیمه وقت و موقت را که از مزایای قوانین کار محرومند ساده تر کند و به انحصارات این حق را بدهد که به جوانان و کسانی که برای مدت طولانی بیکار بوده اند، پایین تراز میزان تعیین شده از سوی اتحادیه ها حقوق بدده. سه مرکز اتحادیه های کارگری ایتالیا، معتقدند که این سیاست منجر به جایگزینی کارگران موجود با نیروی کاری خواهد بود که حقوق و مزایای کاری آن کم تراست و در شرایط کار بدتری به تولید مشغول است.



به مصاف توب و تانک های ارتیش زبده اسرائیلی رفته و با مقاومت خود همبستگی افکار عمومی مردم جهان را به حمایت از خود جلب نموده بودند. عرفات در سخنان خود از قهرمانی کودکان و نوجوانان فلسطینی که سنگ بدست در مقابل ارتیش اشغالگر استادگی کرده و پذیرای آتش رگبار اسلحه های آنان شده بودند قدردانی کرد.

باسر عرفات در اولین سخنرانی خود در خاک فلسطین با عنی اندوهناک خطاب به ده ها هزار مردم که به استقبال او آمده بودند گفت: «توافقی که ما به آن رسیدیم مطابق میل ما نیست. ولی این بهترین توافقی است که ما در زمانی که وضعیت نامساعد دنیای عرب از این بدتر نمی توانست باشد، توانستیم بگیریم». او به توهه های فلسطینی گفت: «ما امروز در غزه در مسیر خود بسوی مسجد الاقصی هستیم» و قول داد که مبارزه را تا ایجاد یک کشور فلسطینی که پایتخت آن در اورشلیم شرقی خواهد بود ادامه دهد.

الجزایر

دولت تصمیم دارد که متعاقب موافقنامه ای که چندی قبل با صندوق بین المللی پول اعضا نموده است، ۱۷۰,۰۰۰ نفر از کارمندان دولت و بخش عمومی را در راستای «سیاست موازنه اقتصادی» خود بیکار کند. قریب نیمی از کارمندانی که قرار است بیکار شوند زنان کارمند بالای ۴۵ سال و مردان بالاتر از ۵۰ سال می باشد. دولت قول داده است که از کار بیکار شدگان از مزایای بازنیستگی قبل از موعد بهره مند خواهند گردید.

در روز ۸ تیرماه، انفجار دو بمب قدرتمند تظاهرات ۱۵۰,۰۰۰ نفره ای را که در الجزیره علیه بنیادگرایی اسلامی به اعتراض برخاسته بودند به خاک و خون کشید. ده ها نفر از تظاهرکنندگان زخمی گردیدند. انفجار بمب ها درست در زمانی صورت گرفت که سعید سعدی و رهبر «اتحاد برای فرهنگ و دموکراسی» از مقابل محل اختفای بمب ها می گذشت. در انفجار به سعید سعدی، به دیگر رهبران چنین ضد بنیادگرایی صدمه ای وارد نشد. تظاهرات روز ۸ تیرماه، در دومین سالگرد مرگ بوضیاف، رئیس جمهور پیشین الجزایر، توسط «اتحاد برای فرهنگ و دموکراسی» با هدف گردهم آوردن تمامی «دموکرات ها» علیه بنیادگرایان اسلامی، که در صدد سرنگون کردن دولت کنونی هستند، سازمان داده شده بود.

بنگلادش

در روزهای ۶ و ۷ تیرماه، هزاران تن از مردم در خیابان های داکا به تظاهرات پرداختند و خواستار مقاومت در مقابل اقدامات نیروهای بنیادگرای اسلامی شدند که قصد سلط پرکشور را دارند. حزب «عوامی لیگ»، که در اپوزیسیون قرار دارد، همه مردم بنگلادش را فراخواند که از تظاهرات حمایت کنند و «در مقابل همه نیروهای ضد استقلال و آن هایی که از مذهب جهت مقاصد سیاسی خود بهره می گیرند مقاومت نمایند». «عوامی لیگ» ضعف و عدم تصمیم گیری دولت را در اوجگیری بنیادگرایی اسلامی مقصرا دانست. اعضا و دانشجویان و فعالین اتحادیه های کارگری عضو «عوامی لیگ» اولین تظاهرات ضد بنیادگرایی را پس از ماه ها برگزار کردند و اعلام نمودند که از یک اعتصاب عمومی گروه های دانشجویی، حمایت خواهند کرد.

در ماههای اخیر نیروهای بنیادگرای و راست افراطی مسلمان به شدت فعل شده و سعی داشته اند تا با ایجاد قوانین ویژه مذهبی دولت را وادارند آزاد اندیشی را سرکوب نمایند. آن ها همچنین خواستار حکم اعدام برای خانم تسلیمه نسرين، پرشک، نویسنده و منتقد قوانین شریعت اسلامی می باشد. خانم نسرين، که در حال حاضر به دلیل تهدید شدن به مرگ مخفی شده است، اعلام کرد: «من مواجه با خطر بزرگی هستم. بنیادگرایان هر لحظه ممکن است مرا بکشند... دولت علیه من است. لذا من هیچ افقی برای نجات از این وضع خطرناک نمی بینم». او از کمیته بین المللی زنان در واشنگتن و نیز اجتمعن قلم در کسب پناهندگی سیاسی کوتاهی نکنند.

رهره بنیادگرای بنگلادشی «مفهوم نظرالاسلام» یک «جاایره تقاضی» برای ترور او تعیین کرده است. دیگر گروه های بنیادگرای نیز «جوایزی» اعلام نموده اند.

دولت بنگلادش، به شدت، از موج بین الملل در دفاع از تسلیمه نسرين به وحشت افتاده است. وزیر خارجه، مفلح عثمانی اخیرا در حالی که از تسلیمه نسرين بخاطر مخفی شدن و عدم تسلیم خود به مراجع قضایی بنگلادش انتقاد می کرد در سخنان که چندان بی شایسته با اظهارات رهبران جمهوری اسلامی ایران نمی باشد، خطاب به سفرا و روسای هیئت های دیپلماتیک مستقر در داکا گفت: «اطفال دخالت نکنید. اجازه بدهید که این موضوع توسط ما رسیدگی شود. این یک مسالمه بسیار حساس است که بسیاری از شهاده های بغير از مسلمانان، قادر به درک آن نیستند».

فلسطین

نه ماه پس از امضای توافقنامه «غزه اریحا»، در روز ۱۰ تیرماه، یاسر عرفات، رهبر سازمان آزادیبخش فلسطین (ساف) قدم به بخشی از خاک فلسطین اشغال گذاشت. بیوه ابوجهاد رفیق و همزم قدیمی یاسر عرفات که در تونس بدبست کماندوهای اسرائیلی ترور شده بود، از مددود شخصیت هایی بود که در این مراسم مورد بزرگداشت و احترام ویژه قرار گرفت. عرفات سپس در ادامه سفر خود در غزه به میان مردمی رفت که با قیام ۶ ساله خود - «انتفاضه» - قهرمانانه با دست خالی و سنگ

«فروش سهام به کارگران» یا کلاهبرداری در روز روشن؟

ریال می باشد ... [اما برای موسسه «نیکان»] هر سهم حدود ۲۴۰۰ ریال معامله شده است! بدین ترتیب، «دولت حامی مستضعفان» نشان داده است که علی رغم همه ادعاهایش، حاضر است به هر ترتیبی که شده (حتی به قیمت چوب حراج زدن به اموال عمومی و ضرر مالی بیشتر برای خود)، از سهیم شدن کارگران در مالکیت کارخانه ها و موسسات تولیدی جلوگیری به عمل آورد.

سوم، و جالب تر از همه، این است که موسسه «نیکان»، که به کمک دولت «حامی مستضعفان» سهام یک شرکت دارویی را از دست کارگران آن «قاب زده» است، نه یک بنگاه تولیدی اقتصادی، بلکه یک «موسسه فرهنگی» است که «در امر اداره مدرسه غیرانتفاعی !!!» [فعایلت می کند!] حال این که یک موسسه «فرهنگی غیرانتفاعی» چگونه قرار است به «افزايش بهره وری» در یک «شرکت دارویی» کمک برساند، عضلي است که حل آن تنها از عهده اقتصاد دانان و برنامه ریزان نابغه رژیم بر می آید! البته این اولین بار نیست که مسئولان رژیم سربرستی بنگاه های اقتصادی کشور را به دست «رهبران فرهنگی» جامعه می سپارند. نمونه دیگری که در این راستا بسیار گویا است، وضعیت «شرکت تولیدی کفش سه ستاره» است که سربرستی و اداره آن از سال ۱۳۶۹، یعنی پس از مصادره شرکت توسط دولت، به «سازمان تبلیغات اسلامی» (!!!) سپرده شده بود! این واقعیت که شرکت «کفش سه ستاره» بالاخره پس از «۴ سال زیان» و «بالآوردن «مقدار نسبتاً زیادی بدھکاری»، اخیراً از سوی «سازمان تبلیغات اسلامی» «تعطیل» و «منحل» اعلام شد، و کارگران این شرکت و خانواده هایشان (که حدود ۲۵۰۰ نفر می شوند) دچار «بیکاری و سرگردانی» شدند، ظاهراً هیچ درسی برای برنامه ریزان رژیم در بر نداشته است.

به نظر می رسد که مسأله اصلی سرمدaran رژیم در اینجا نه «افزايش بهره وری» بنگاه های تولیدی، نه «فروش سهام کارخانه ها به کارگران»، نه هیچ معیار اقتصادی دیگر، بلکه تقسیم «غنایم» بادآورده میان تیولداران حاکم و تضمین کنترل سیاست آنان بزر همه نهادهای اجتماعی است. این واقعیت در نگرانی های ابراز شده از سوی کارگران شرکت بهوضوح به چشم می خورد. یکی از کارگران زن می پرسد: «از کجا معلوم که خریداران سهام در آینده در امور مختلف شرکت دخالت های بیجا نکنند و آینده کارگران را با مشکل مواجه نسازند؟» و دیگری اضافه می کند: «چه تضمینی وجود دارد که خریداران سهام فردای نوعی نیایند و به اخراج نیرو در سطح شرکت نپردازند؟»

نماینده گان کارگران شرکت «ابوریحان»، به درستی شهاده اند که «اقدام اخیر سازمان صنایع ملی ایران در مورد این شرکت، زنگ خطری است که دیگر واحدهای تولیدی و صنعتی را تهدید می کند و شوراهای اسلامی کار و دیگر نهادهای کارگری باید هوشیاری کامل خود را حفظ کنند».

شده است که سهام کارگری این شرکت، «طبق دستور مستقیم وزیر صنایع و مدیریت عامل سازمان صنایع ملی به موسسه نیکان و گذار» شده است!

ماهیت ضدکارگری این اقدام سازمان صنایع ملی رژیم هنگامی روشن تر می شود که به برخی حقایق گویای حول مسئله توجه کنیم. نخست این که بهانه عدم واگذاری سهام به کارگران شرکت «ابوریحان»، «عدم تامین تقاضیگی» از سوی سازمان صنایع ملی، که وظیفه تامین اعتبارات و تسهیلات مالی لازم برای کارگران مقاضی را دارد، بوده است. به عبارت دیگر، دولت از اجرای تعهد مالی خود نسبت به کارگران سر باز زده است. اما این بهانه به تنهایی برای توجیه عملکرد ضدکارگری دولت کافی نیست چون حدود ۱۰۰ نفر از کارگران سهام خود را «به صورت تقاضی» به خریداری کرده بودند و هیچ نیازی به کمک مالی دولت نداشتند. به علاوه، دولت نه تنها برای فروش سهام کارگران به شرکت «نیکان» حتی منتظر سرسید مهلت قانونی برای کارگران نشده، بلکه همان تمهیلات را که از کارگران درین کرده، در اختیار موسسه «نیکان» قرار داده است. (با توافق دولت، این شرکت بهای سهام را «۳۰ درصد نقد و بقیه را به صورت اقساط ساله» برداخت خواهد کرد). یک کارگر زن با ۱۶ سال سابقه کار در شرکت می گوید:

«آیا ما حق نداریم به این عمل غیرقانونی اعتراض کنیم؟ فروش سهام کارگران به دیگران یعنی ترنسفر در روحیه آنان. مگر ما گناه کرده ایم که می خواستیم سهام شرکت را با تسهیلات دولتی بخریم، چرا مسئولین به وعده های خود عمل نمی کنند؟ من سال گذشته بول نقد داشتم و قادر بودم که سهام واگذار شده را بخرم ولی منتظر ماندم که از تسهیلات اعلام شده استفاده کنم که اینطور شد. کارگران این شرکت با تولید داروهای هورمونی سروکار دارند. این داروها نیز عوارض شدیدی را برای افراد به دنبال دارند، عقیم شدن و تغییر جنسیت کارگران و سایر مشکلات که

قابل گفتن نیست. مطمئن باشید کارگران این شرکت اجازه نخواهند داد که حق قانونیشان توسط عده ای اینگونه پایمال شود». یکی دیگر از کارگران که سال سابقه کار دارد می گوید: «سؤال ما این است که چرا موضوع را به کارگران این شرکت نگفتند و این سهام را فروختند. ما کارگران اگر لازم می شد، زندگی خود را می فروختیم و حق خود را می خریدیم، کارگرانی که در این شرکت دچار مشکلات متعدد می شوند، چرا که با مواد هورمونی سر و کار دارند، اختلافات خانوادگی پیدا می کند و هزاران مشکل دیگر. بله ما این مشکلات را تحمل کردیم بخطاب آنکه شرکت را از آن خود می دانستیم و امید به آینده ای روش داشتم. ولی سازمان صنایع ملی با این کار خود زندگی کارگران را مختل کرده و ضربه ای سنگین بیکر آنان وارد ساخته است».

نکته دوم این است که قیمت سهام فروخته شده از سوی دولت به شرکت «نیکان» نه فقط کم تر از بهای پیشنهادی به کارگران، بلکه حتی ۶۰۰ ریال کم تر از «قیمت کارشناسی محاسبه شده در بازار بورس» بوده است. به گفته نماینده کارگران، «قیمت کارشناسی محاسبه شده برای هر سهم حدود ۳ هزار

سیاست خصوصی کردن کارخانه ها و موسسات اقتصادی دولتی، یعنی نسخه تجوییز شده از سوی بانک جهانی و صندوق بین المللی پول برای اقتصاد بحران زده رژیم، امروز به شکلی همه گیر در سطح جامعه در حال پیاده شدن است. علی رغم هشدارهای جدی متخصصان امور اقتصادی که بخش خصوصی در ایران «کارآیی لازم را ندارد» و این سیاست تها به ورشکستگی و تعطیل شدن موسسات خصوصی شده، تمرکز فراینده سرمایه و تقاضیگی در دست مشتی سرمایه دار دلال و سودجو و تشید بیکاری در سطح جامعه می انجامد، سرمدaran رژیم همچنان به این سیاست ضد مردمی ادامه می دهد.

اما خوراندن داروی تلخ «خصوصی کردن» به مردم و به ویژه به کارگران و زحمتکشانی که از هم اکنون نتایج فاجعه بار این سیاست را در روند «تعديل اقتصادی» لمس کرده اند، به هیچوجه کار سهام نیست. به همین دلیل مسئولان رژیم امروز دست به دامن ترفندهای تازه ای شده اند تا این سیاست ضد مردمی را به عنوان کوششی برای «افزايش بهره وری» و «فروش سهام» این موسسات «به کارگران»، موجه جلوه دهد.

قضیه «فروش ۳۳ درصد از سهام شرکت داروسازی ابوریحان به کارگران» نمونه گویای یک حین کلاهبرداری علی از کارگران و کارکنان این موسسه توسط «سازمان صنایع ملی» رژیم است.

دانستان از این قرار است که پس از اعلام برنامه خصوصی کردن «شرکت داروسازی ابوریحان» توسط دولت، کارگران این موسسه در روز نهم شهریور ۱۳۷۲، طی نامه ای به مدیرکل «دقتر نظرات بر واگذاری سهام کارگران وزارت کار»، اعلام آمادگی کردن که بر اساس آین نامه مصوب هیئت وزیران، ۳۳ درصد سهام این شرکت را خریداری کنند. در آبان ماه همه همین سال، «مدیر فروش سهام سازمان مالی گسترش مالکیت واحدهای تولیدی» طی نامه ای به کارگران این شرکت اطلاع می دهد که «به مجرد خرید سهام شرکت ابوریحان نسبت به واگذاری سهام به کارکنان آن شرکت در اولویت اول اقدام خواهد شد». به علاوه، مسئولان متعدد می شوند که «تا پایان اردیبهشت ماه سال ۱۳۷۳ کارگران ۲۲ شرکت از جمله ابوریحان توسط سازمان مالی گسترش مالکیت به کارگران واگذار شود».

به دنبال این اعلام از سوی دولت، به گفته یکی از اعضا شورای اسلامی کار شرکت ابوریحان، «از تعداد ۲۵۰ نفر برستن این شرکت، ۱۰۰ نفر سهام واگذار شده را به صورت تقاضی خریداری کرده و ۱۵۰ نفر منتظر بودند که از تسهیلات قابل شده دولت برای خرید سهام استفاده کنند». اما در اواسط اردیبهشت ماه (یعنی قبل از مهلت رسمی اعلام شده برای واگذاری سهام به کارگران) کارکنان این شرکت با کمال تعجب خبردار می شوند که سازمان صنایع ملی، «کلیه سهام شرکت ابوریحان را «با تهیهات خاص» و بدون اطلاع کارگران به موسسه ای خصوصی به نام «نیکان» فروخته است! در نامه انتراضی که کارگران شرکت «ابوریحان» خطاب به دیر کل خانه کارگر جمهوری اسلامی نوشته اند گفته

ائتلاف جویانه خود با نیروهای سیاسی ایران ادامه می دهیم. ما همچنان معتقدیم که حزب دموکرات کردستان ایران، نماینده بحق خلق کرد است و بر این اساس در هر ائتلاف ملی، مترقبی و فراگیر می باشد جای ویژه خود را اشغال کند. حزب ما از مددود سازمان های سیاسی ایران است که در سیاست ائتلافی خود تحقق خواست های بحق خلق های ایران را بخش جدایی ناپذیر برنامه ائتلافی خود اعلام کرده است (رجوع کنید به "مشور آزادی" مصوب سومین پنجم کمیته مرکزی حزب تode ایران آذرمه ۱۳۷۲). رهبری حزب ما در ماه های اخیر ضمن ارسال نامه هایی به سازمان های مترقبی ایران، از جمله رهبری حزب دموکرات کردستان ایران خواستار تلاش مشترک برای فراهم کردن زمینه عینی برای ایجاد ائتلاف وسیع نیروها بخطاب دستیابی به دموکراسی و آزادی گردیده است. ما با توجه به شرایط بفرنج و دشوار کنونی، و در حالیکه رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی بیش از پیش در بحران سیاسی، اجتماعی و اقتصادی فرمی روود، معتقدیم که چنین بخورددهایی تنها به حفظ شرایط کنونی و دامن زدن به جو نفره و پراکنده گی یاری می رساند و تنها میوه چین آن استبداد و نیروهای ارتقای هستند.

در پایان توجه آقای هجری و دیگران را به این نکته مهم و ظرفی جلب می کنیم، که نشریات و روزنامه هایی مانند «کیهان لندن» از سرخی خواهی برای خلق های ایران نیست که این تربیون را در اختیار شما می گذارند و با طرح سوال هایی مانند "بخش علیمی از جنیش چپ ایران از درون حزب تode ایران بوجود آمده، هنوز پس از تحولات و دگرگونی های شوری و شکست حزب تode در ایران، عده ای از سران این حزب آن را بزرگترین حزب جهان می دانند... نظرatan درباره حزب تode چیست؟ و کدامیک از شیوه ها و روش های آن قابل تحمل است؟" به مصاحبه کننده خط می دهد که چگونه باید برای احترام از "کنهن گرایی" و اثبات "نواندیشی" پاسخ داد. روزنامه «کیهان» چاپ لندن برای اطلاع آقای هجری از مددود روزنامه هایی است که به شکل بیگر از گذشته رژیم استبدادی و ضد مردمی پهلوی که طی چندین دهه میلارد ها دلار ثروت کشور را به غارت برده، هرگونه آزاد اندیشه را سرکوب کرد و ایران را به کشوری وابسته به امپرالیسم و غرب بدل کرد، دفاع می کند. و اتفاقاً سرکوب خلق های ایران، از جمله سرکوب و کشtar خلق آذربایجان و خلق کرد را بخشی از اختخارات تاریخی خود ارزیابی می کند (رجوع کید به مطالب این روزنامه پیرامون ۲۱ آذر و مطالب پیرامون تجزیه طلبی خلق کرد). این نیروها با دفاع جانانه از گذشته سیاه حکومت ترور ساواک نه تنها می اعتقادی خود را به پلورالیسم و دموکراسی بهوضوح به نمایش می گذارند، بلکه در عین حال رسمآ اعلام می کنند که هدف همان احیای گذشته نه چندان دور ترور، اختناق و غارت کشور به شیوه شاهنشاهی آن است.

پاسخ ما به مصاحبه گر روزنامه «کیهان» و همه هم نظران او پیرامون این مسئله که "عده ای از سران این حزب ... معتقدند که در شکل و فرم دیگری اهداف این حزب تحقیق پیدا خواهد کرد..."، قاطعانه آری است. مصاحبان این نظریات کافی است به تحولات کشورهای اروپای شرقی و اتحاد شوروی سابق رجوع کنند تا از یک سوی جنایت، بدختی، فقر و بعدالتی را که سرمایه داری برای این کشورها ارمنان آورده است بینند و سرنوشت اتفاقاک "نواندیشانی" مانند یلتین، یا وکوفل ها و گورباچف ها را که تا حد عروسکان خیمه شب بازی آمریکا و غرب سقوط کرده اند دریابند و از سوی دیگر تیجه آرا انتخاب کنندگان این کشورها را بینند تا به علل عینی اعتقادات ما بی ببرند. به گمان ما اتفاقاً نگرانی نیروهایی که مانند «کیهان لندن» و مصاحبه گر آن می اندیشند نیز از همین جاست که برخلاف خوشحالی اولیه نیروهای واپسگرا و ارتقایی که خبر کفن و دفن سوسیالیسم، اندیشه های سوسیالیستی و احزاب معتقد به این اندیشه ها را در سراسر جهان اعلام کردند، امروز خواب خوشنامان به کابوس و شیخ هویانیکی مبدل شده است که نه تنها در اروپا، بلکه در تمامی جهان در گردد است. کسانیکه حداقل اطلاعی از تاریخ تحول جامعه بشري و سیر تکاملی آن و تغییر صورتیندی های اجتماعی دارند نیک می دانند که اهمیت آموزش مارکس و مارکسیسم در درک و بیان این روند اجتناب ناپذیر جامعه بشري است. این آموزش مارکس نه به ده سال و یا چند دهه، بلکه به درک صحیح و علمی هزاران سال تاریخ جامعه بشري مربوط است و بر این مبنای، در شرایط کنونی، یگانه اندیشه ای است که به سوی آینده آزاد و عادلانه بشري نظر دارد و نه شرایط دهشتاتک حاضر در جهان سرمایه داری که در آن انسان و انسانیت، آزادی و دموکراسی و عدالت و برابری در پای سود و استثمار انسان از انسان قربانی می شود.

جن پراکنی، فحاشی و افترا شیوه های مطرود در مبارزه ...

جزیران مبارزه برای تامین استقلال و آزادی برای همه مردم کشور ما امکان پذیر است... حزب تode ایران برآنست که از راه سرکوب و کشتار ممکن است آرامش" برقار ساخت، ولی نمی توان مسئله ملی را نه در کردستان و نه در سایر نقاطی که در آن محرومیت های ملی مطرح است، حل نمود ... برایه همین موضعگیری ... حزب تode ایران ... پیشنهاد می کند:

- ۱- پیدزنگ و همزمان، به عملیات نظامی از دو طرف پایان داده شود و آتش پس اعلام گردد؛
- ۲- محاکمه و صدور رای در دادگاه های اقلاب کردستان متوقف گردد؛
- ۳- مذاکرات به منظور پیدا کردن راه حل سیاسی برای رسیدن به هدف های میر زیر آغاز شود:

الف- تامین خواست های مشروع مردم کردستان در زمینه پایان دادن به محرومیت های ملی ... "از اعلامیه کمیته مرکزی حزب تode ایران - ۶ شهریور ۱۳۵۸ - کتاب استاد و اعلامیه های حزب تode ایران، صفحه ۱۸۹" از آقای هجری باید پرسید که کدام بخش از اهداف و یا موضعگیری های بالا به نظر ایشان "خیانت" و یا "جنایت" بود. آیا منظور آقای هجری از "خیانت" پیشنهاد می برای مذاکره با جمهوری اسلامی در آن دوران بسیار پر تلاطم و بفرنج پس از اقلاب است؟

آیا ما حق داریم از آقای هجری که به گفته خودش معتقد نیست "گفگو با جمهوری اسلامی هم پیش از آنکه یک اشتباه از طرف ما باشد نتیجه مغایرت فرمول بنده ها، معیارات و طرز تفکر حکام جمهوری اسلامی با پرسوه استدلالات منطقی و سیاسی است. جمهوری اسلامی پس از پایان جنگ و پیدانگر ۸ ساله با عراق و شکست قطعی در جنگ درخواست مذاکره برای پیدا کردن راه حل مسالمت آمیز برای ایشان را کرد. در آن زمان برداشت ما این بود که بالاخره رژیم از این شکست خفت بار پند گرفته و در فکر جیران مافات است، و اکنون زمان بازسازی کشور فرا رسیده است و باید همه در آن سهیم باشیم ..." (همانجا) پرسیم که چگونه سیاست "شرکت در بازسازی کشور" در زیر حکومت دیکتاتوری اسلامی و آنهم درست هنگامیکه جلادان رژیم به فرمان تعیینی مشغول قتل عام هزاران زندانی سیاسی، از جمله صدھا تode ای، بودند، و آنهم پس از اذاشن بیش از ده سال تجربه سرکوب رژیم حتی "اشتباه" هم نیست ولی اتخاذ خط مشی مشابهی در سال های نخست اقلاب که رژیم سرکوبیگر، هنوز زیر فشار خواست تode های انتقامی چهره ضدمدرمی خود را کاملاً آشکار نساخته بود، "خیانت" و "جنایت" است. این است معیار انصاف و منطق در ادعاهای آقای هجری.

نکته دیگری که در اینجا تذکر آن لازم است، اختلافاتی است که در سالهای نخست اقلاب میان رهبری حزب ما و رهبری حزب دموکرات کردستان ایران پیدا شده است. در دیداری که بعدها میان دکتر قاسملو، و رهبری حزب ما برگزار شد نیز به آن آمد. در دیداری که همانطوریکه در همان دیدار نیز تأکید کردیم، یکی از علل عدمه اشاره کردیم. ولی همانطوریکه در همان دیدار نیز تأکید کردیم، این اشکالات روابط آن هنگام حزب دموکرات کردستان ایران با رژیم دیکتاتوری عراق بود. ما همواره بر این اصل تأکید داشته و داریم که نمی توان برای دستیابی به اهداف مبارزه به هر وسیله ای متول شد. سیاست تزدیکی با حکومت های استبدادی برای خلق گردد، در منطقه ما، در دهه های اخیر، بسیار فاجعه بار بوده است. برای نمونه اتفاقی حزب دموکرات کردستان عراق در دهه هفتاد به رژیم استبدادی محمد رضا شاه نتیجه اش کشتار هزاران مبارز کرد و شکست سنگین جنیش در آن مقطوع بود. ما در سال های اخیر به تمامی نیروهایی که گام در این راه گذاشته اند هشدار داده ایم و به هیچوجه معتقد نیستیم که این بخورد ما غیر اصولی و یا ناصحیح است. قتل عام ده ها هزار کرد توسط رژیم بلهوی (که آقای هجری در مصاحبه اش با ارگان هاداران این نیروها به صورت گذرا از کنار آن می گذرد)، رژیم جنایتکار صدام و حکومت ترکیه قاعدها نمی باشی برای هیچ نیرویی کوچکترین شکی در درست بودن این مشی اصولی باقی بگذارد. نیروهایی که علی رغم همه این تحریمات هنوز به این سیاست ها ادامه می دهند (مانند روابط مجاهدین خلق و دولت عراق) با از سرناواری این سیاست را دنبال می کنند و یا از تجربه های دردناک سال های اخیر همچنین خواسته اند.

ما علی رغم تهمت های نابجای آقای هجری همچنان به سیاست اتحاد طلبانه و

جبهه میهن پرستان روآندا چه می خواهد؟

کرد، و در سال ۱۹۹۳ مصالحه ای تحت عنوان قراردادهای «آروشا» منعقد شد. در این قراردادها تقسیم قدرت با نیروهای اپوزیسیون برای ساخت یک حکومت موقت با شرکت همه نیروهای قومی و قبیله ای پیش بینی می شد. فرمان ثبت شخصات قومی در مدارک شخصی تا اندازه ای شرط اداری برای کشtar دسته جمعی و قومی را در هفته های اخیر به وجود آورد.

نیروهای نظامی دولتی، بخصوص نیروهای تربیت شده بوسیله فرانسوی ها بنام «گارد رئیس جمهوری»، بعد از مرگ دیکتاتور به صحنۀ انتقامگویی کشیده شده اند و با توصل به مقامات عالی استان و شهرداری ها توانستند لیست کامل فامیل های توتسی را فراهم کنند.

این نیروها، به کمک این لیست ها، شکار دهشتگویی علیه «عناصر دشمن» را آغاز کرده اند نه تنها توتسی ها بخاطر قومیتیان بمثابه «دشمن» طبقه بندی شده اند، بلکه هم چنین اپوزیسیون سیاسی از قبیله هوتوها که در ماه های اخیر رسما برای از بین بردن رژیم دیکتاتوری می کوشد، از تبع کشtar این نیروها در آمان نبوده اند.

همه چیز نشان دهنده آن است که طرفداران رئیس جمهور هیباریمانا که او ایل آوریل در یک سو قصد کشته شد، از این حادثه کمال استفاده را می کنند تا از قرارداد های آروشا دور شده و تسلط دوباره خود را در جمجموه کشور تأمین کنند. در چارچوب چنین برنامه ای است که «از بین بردن» مخالفین سیاسی رژیم رسمای نظر گرفته شده بود. در عین حال سعی می شود که این نمایش بنوان «تضاد قومی» و بعثابه «جنگ های قبیله ای» در مخالفین بین المللی معرفی شود.

جبهه میهن پرستان، مداخله ارش فرانسه را به مثابه حمایت این کشور از نظامیان حاکم در روآندا، ارزیابی می کند. این مداخله، که با پوشش تبلیغاتی بشروعه بخورد جهانیان داده می شود، هدفی جز تحکیم موقعیت نواستعماری کشورهای امپریالیستی در آفریقا ندارد.

بنظر تجویون روداستنگوار، دبیر کل این جبهه، جنگ داخلی روآندا را نمی توان با مفاهیم قومی توضیح داد. این «مبارزه ای بین نیروهای دموکرات و دیکتاتوری است».

به گفته دبیر کل «جنگ کنونی هنگامی آغاز شد که رژیم سابق بوسیله اتحاد جدید بین توتسی ها و هوتوها خود را در خطر می دید زیرا که این ها مشترکا احزاب مخالف را تشکیل داده بودند، خوشبختانه ما دیگر فقط سازمان توتسی ها نیستیم. ما تنها قدرتی هستیم که قادر است کشtar عمومی را پایان دهد و این را هوتوها نیز می دانند که همانند توتسی ها قربانی هستند».

جبهه میهن پرستان روآندا در سال ۱۹۹۲ نظریات سیاسی خود را برای اتحادیه جدید در بردارنده ساختار محکم فدرال، منجمله دولت مرکزی، واحد بول مشترک، نیروهای نظامی و امنیتی مشترک و یک محدوده تجاری و اقتصادی واحد و یگانه می باشد. جو طرفداری از نوسازی اتحاد شوروی آنچنان قدر تمدن است که بیل کلیستون رئیس جمهور آمریکا مجبور شد در مصاحبه ای با روزنامه رسمی «ایزوستیا» در ۱۴ تیر به آن اشاره کند. او تصدیق کرد که فشار برای دوباره بهم پیوستن جمهوری های ساقی شوری در حال افزایش است و اشاره کرد که واشنگتن در مقابل چین اتحادیه ای مقاومت خواهد کرد. میخاییل گارباچف، آخرین رئیس جمهور اتحاد شوروی در برابر کمیسیون پارلمان مدعی شد که «اما ما همیشه براین بودیم که مردم ما باید در یک کشور زندگی کنند». او سعی کرد که با موضعگیری علیه یلتین تمامی تعصیها را به عهده او بگذارد. «در ۱۹۹۰ من مخالف بودم که یلتین بعنوان نامزد شورای عالی اعلام شود... من می دانستم که او یک طبیعت خرابکار و نابود کننده دارد و فقط چیزهای را بهم خواهد ریخت».

صدر ساقی شورای عالی اتحاد شوروی، آنانوی لوکیانوف که در اوت ۱۹۹۱ بهار چند تن دیگر از رهبران عالیرتبه شوروی تشکیل کمیته اصطواری و اقداماتی جهت جلوگیری از سقوط و از هم پاشیدگی اتحاد شوروی را سازمان داده بود و بهمین دلیل متمم به کودتا علیه گارباچف و زندانی و محاکمه شده بود در سخنان خود در بارلمان خواستار شد که توافقنامه بلاوزسکایا پوشکا که در دسامبر ۱۹۹۱ بین روسیه- بلاروس و اوکراین امضا شد و منجر به نابودی اتحاد شوروی گردید، متفق دانسته شود. او گفت: «این یک دروغ است که اعضای کودتا در نابود کردن اتحاد شوروی مقصرونند. آنها خواهان حفظ اتحاد شوروی بودند. توافقنامه بلاوزسکایا پوشکا یک پیمان غیر قانونی و ناپس فواین اساسی اوکراین-

روسیه و بلاروس» بوده است.

معاون نخست وزیر روسیه سرگئی شفاری، رهبر حزب یگانگی و هماهنگی به کمیسیون ویژه پارلمانی گفت که کسی در تجدید اتحاد اکثر جمهوری های اتحاد جماهیر شوروی سابق شک ندارد، آنچه باقی است این است که چین چیزی چه وقت و پچگونه صورت خواهد گرفت. او در این رابطه گفت: «هیچ آلتراتیو دیگری در مقابل دوباره بهم پیوستن نیست. این ضروری است که هسته مرکزی از سه یا چهار کشور تشکیل بشود و به مرور، برایه آن، کشورهای دیگر به این هسته بپیوندد».

طرفداران بازسازی اتحاد جمهیر شوروی رو به افزایش است!

صفحات مطبوعات کشور و جلسات کمیسیون ویژه پارلمان روسیه که مسوولیت بررسی راه های تعیین کشورهای مستقل مشترک المناقش را دارد در نیمه اول تیرماه جاری شاهد اظهارات بی سابقه ای می باشد که نشانگر رشد بی سابقه گرایش تجدید پایه گذاری اتحاد جمهوری های شکل دهنده اتحاد جماهیر شوروی سابق می باشد.

کستانی زاتولین صدر کمیسیون گفت: «برای ۱۰۱ین بار در صدها سال، مردم کشور ما از هم جدا شده اند. سقوط اتحاد شوروی تراژدی ای بوده است که هنوز کاملا درک نشده است». در انتخابات ریاست جمهوری در بلاروس، الکساندر لوکاشکو یک ناسیونالیست پان اسلامو که طرفدار اعاده اتحاد شوروی است، به پیروزی رسید. در انتخابات ریاست جمهوری اوکراین لتوینی کوچما که از اتحاد اقتصادی و هم پیوستگی نزدیک سیاسی با روسیه حمایت می کند، لتوینی کراوچوک را که یکی از ۴ طراح از هم پاشیدن اتحاد شوروی بوده است با شکست جدی روپرو ساخت و به پیروزی رسید.

برخلاف ساختار کنفراسیونی کشورهای مستقل مشترک المناقش که بسیار مسطوح می باشد، طرح های عنوان شده برای اتحادیه جدید در بردارنده ساختار محکم فدرال، منجمله دولت مرکزی، واحد بول مشترک، نیروهای نظامی و امنیتی مشترک و یک محدوده تجاری و اقتصادی واحد و یگانه می باشد. جو طرفداری از نوسازی اتحاد شوروی آنچنان قدر تمدن است که بیل کلیستون رئیس جمهور آمریکا مجبور شد در مصاحبه ای با روزنامه رسمی «ایزوستیا» در ۱۴ تیر به آن اشاره کند. او تصدیق کرد که فشار برای دوباره بهم پیوستن جمهوری های ساقی شوری در حال افزایش است و اشاره کرد که واشنگتن در مقابل چین اتحادیه ای مقاومت خواهد کرد. میخاییل گارباچف، آخرین رئیس جمهور اتحاد شوروی در برابر کمیسیون پارلمان مدعی شد که «اما ما همیشه براین بودیم که مردم ما باید در یک کشور زندگی کنند». او سعی کرد که با موضعگیری علیه یلتین تمامی تعصیها را به عهده او بگذارد. «در ۱۹۹۰ من مخالف بودم که یلتین بعنوان نامزد شورای عالی اعلام شود... من می دانستم که او یک طبیعت خرابکار و نابود کننده دارد و فقط چیزهای را بهم خواهد ریخت».

صدر ساقی شورای عالی اتحاد شوروی، آنانوی لوکیانوف که در اوت ۱۹۹۱ بهار چند تن دیگر از رهبران عالیرتبه شوروی تشکیل کمیته اصطواری و اقداماتی جهت جلوگیری از سقوط و از هم پاشیدگی اتحاد شوروی را سازمان داده بود و بهمین دلیل متمم به کودتا علیه گارباچف و زندانی و محاکمه شده بود در سخنان خود در بارلمان خواستار شد که توافقنامه بلاوزسکایا پوشکا که در دسامبر ۱۹۹۱ بین روسیه- بلاروس و اوکراین امضا شد و منجر به نابودی اتحاد شوروی گردید، متفق دانسته شود. او گفت: «این یک دروغ است که اعضای کودتا در نابود کردن اتحاد شوروی مقصرونند. آنها خواهان حفظ اتحاد شوروی بودند. توافقنامه بلاوزسکایا پوشکا یک پیمان غیر قانونی و ناپس فواین اساسی اوکراین-

روسیه و بلاروس» بوده است.

معاون نخست وزیر روسیه سرگئی شفاری، رهبر حزب یگانگی و هماهنگی به کمیسیون ویژه پارلمانی گفت که کسی در تجدید اتحاد اکثر جمهوری های اتحاد جماهیر شوروی سابق شک ندارد، آنچه باقی است این است که چین چیزی چه وقت و پچگونه صورت خواهد گرفت. او در این رابطه گفت: «هیچ آلتراتیو دیگری در مقابل دوباره بهم پیوستن نیست. این ضروری است که هسته مرکزی از سه یا چهار کشور تشکیل بشود و به مرور، برایه آن، کشورهای دیگر به این هسته بپیوندد».

رلقا، دوستان و هواداران حزب می توانند برای میانس با حزب از

شماره فاکس: ۳۲۴۱۶۲۷ - ۳۰ - ۴۹ (آلمان - برلین) استفاده نمایند.

NAMEH MARDEM

Central Organ of the Tudeh Party of Iran

Address : Postfach 100644 , 10566 Berlin , Germany

NO ; 432
July 19 , 1994

نامهء

مردم